

پرونده هسته‌ای ایران نخواهد بود. جمهوری اسلامی ایران نایبستی چنین تقابلی را مینای استراتژی خود قرار دهد ولی می‌تواند در مذاکرات هسته‌ای و سیاسی خود با آمریکا، این موضوع را به عنوان اهرم‌های مفید به کار برد. قطعاً جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در بُعد مسأله هسته‌ای، در یک فضای متعادل که در آن آمریکا پیش‌برنده مصنوعی قطار مذاکرات و توافقات هسته‌ای نباشد، به یک راه حل جامع، منصفانه و پایدار بیاندیشد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران که علاقه مند به کاهش تنش در سطح جهان و رفع سوء تفاهات با قدرت‌های بزرگ می‌باشد، می‌بایستی تمام توان خود را در صحنه دیپلماتیک به کار گیرد تا در این راستا استراتژی مناسب نیز از سوی گروه ۵+۱، برای حل موضوع هسته‌ای ایران تدوین گردد. در این رابطه ایران بایستی نقش منطقه‌ای و جهانی خود را در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نشان داده و در عمل اثبات نماید در آنچه که آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای غربی ادعا می‌کنند نه تنها سهم نیست بلکه برعکس یکی از پایه‌های قوی حفظ صلح در جهان می‌باشد. سخن آخر این که اگر مخالفان و بدخواهان فرصت یابند سعی می‌کنند همچون سی سال گذشته، طرحی اجباری برای رییس‌جمهور بعدی آمریکا فراهم کنند که راهی جز انتخاب تحریم‌ها و ادامه تهدیدهای نظامی علیه کشورمان نداشته باشد. جمهوری اسلامی ایران با تسلط بر تکنولوژی هسته‌ای، قدرت نفوذ در خاورمیانه، ایفای نقش در منطقه و پتانسیل بالا در تبدیل شدن به یکی از مهمترین تأمین‌کننده‌های انرژی اروپا و جهان، خواستار برقراری یک رابطه بسیار مستحکم و مبتنی بر منافع و احترام متقابل با همه کشورهای جهان می‌باشد. ■

به ارمغان بیاورد. علاوه بر این که دو کشور، احتمالاً به نوعی پختگی رسیده و متقاعد شده‌اند که به جای مجادله و تنش ۳۰ ساله، راه نوینی برگزینند که متضمن منافع ملی در هر دو کشور باشد و البته شرایط مناسبی نیز در چند ماه اخیر به وجود آمده که می‌تواند بستر ساز تحقق رویای فوق باشد، در این میان مهمترین رویداد، تغییر رییس‌جمهور محافظه‌کار آمریکا می‌باشد که امکان دارد جای خود را به رییس‌جمهور دمکرات دهد که اصولاً نگرش تند محافظه‌کاران را کنار گذاشته، به دوران ریاست جمهوری کلینتون روی آورد که در صورت تحقق این امر، شرایط برای نگرش جدید در دستگاه آمریکا و متعاقب آن در مطبوعات و رسانه‌های این کشور که اکنون وظیفه سیاه‌نمایی تحولات و دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران را به عهده دارند، فراهم می‌شود. لزومی ندارد رییس‌جمهور بعدی آمریکا به سیاست‌ها و تعهدات رییس‌جمهور قبلی پایبند باشد و حتی می‌تواند به خاطر حفظ منافع و امنیت ملی کشورش، سیاست‌ها و تعهدات قبلی را مورد انتقاد قرار داده و طرحی نو بیافریند - طرحی که امنیت محیط بین‌الملل را از دستور خارج ساخته و به جای آن، آرامش، صلح، همکاری و هماهنگی بین‌المللی را به ارمغان بیاورد.

منافع هسته‌ای

موضوع تقابل شرق و غرب و اراده روسیه برای سد کردن پیشروی غرب در حیات خلوط امنیتی این کشور، موضوعی قابل توجه است که اگرچه برای نتیجه‌گیری هنوز زود است ولی آینده این تقابل، قطعاً بی‌ارتباط با نحوه پیشبرد

بررسی موضوعی قانون کار

قانونی برای تحول کارگران



از نگاه دکتر علی‌الله همدانی، متأسفانه نقش اصلاح قانون کار در روند برنامه‌های تحول‌گرای دولت، کمرنگ است.

● موارد تغییر مالکیت حقوقی کارگاه:

مدیریت جدید، قائم مقام مدیر قبلی بوده و ملزم به رعایت قراردادهای منعقد شده بین کارگران و مدیریت قدیم می‌باشد، حتی اگر مدیریت جدید، درصد اقداماتی در جهت تغییر ساختار اقتصادی یا سازمانی بوده و نیازی به کارگران مذکور نداشته باشد.

● افزایش تعطیلات و مرخصی‌ها و کاهش مدت کار کارگران: مدت تعطیلات و مرخصی‌ها در کشور در سال، ۱۲۰ روز و مدت کار ۲۴۵ روز می‌باشد. این مدت مرخصی که با پرداخت مزد کارگران همراه است، در عین حال موجب کاهش تولید می‌گردد و در نتیجه، قیمت تمام شده کالا افزایش یافته که این موضوع امکان رقابت را کاهش می‌دهد. این امر به زیان کارفرما بوده و اگر کارفرما بخواهد در روزهای تعطیل یا مرخصی از کارگر تقاضای اشتغال به کار نماید، حداقل ۴۰ درصد بر میزان مزد وی افزوده می‌شود که باز هم هزینه نیروی انسانی افزایش خواهد یافت.

● بالا بودن سطح پرداخت‌ها و هزینه تولید: هرچند حداقل دستمزد و سایر سطوح مزدی که از سوی شورای عالی کار تعیین می‌شود، رقم بالایی نیست ولی تعداد موارد پرداخت به کارگران، اعم از پرداخت مستقیم و یا واریز به حساب کارگر، چنان است که رقم مذکور را به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد. به طور کلی، علاوه بر مزد ثابت کارگر، کارفرما در حدود ۴۲ رقم پرداخت مستقیم و غیرمستقیم به کارگر دارد، به نحوی که دستمزد را تا طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد. این پرداخت‌ها عبارتند از: اضافه‌کاری، شب‌کاری، نوبت‌کاری، حق مسکن، بن کالای اساسی کارگران، حق اولاد، حق بیمه سهم کارفرما، یک وعده

قانون کار از جمله قوانین و مقرراتی است که در حل بسیاری از مسایل و مشکلات اقتصاد، تأثیر بسزایی دارد. از این منظر، نخست به کلیاتی چند از قانون کار، اشاره می‌کنیم. هدف از این بحث این است که نشان دهیم چگونه با وجود تصمیم دولت در زمینه اجرای برنامه‌هایی در جهت رفع موانع و مشکلات موجود بر سر راه پیشرفت‌های اقتصادی کشور، سخنی در مورد اصلاح قوانین و در رأس آن قانون کار نرفته است. تجربه اجرای قانون کار از سال ۶۹ که قانون مذکور به مرحله اجرا نهاده شده نشان داده که این قانون، به لحاظ جنبه حمایتی‌اش نتوانسته است گام مهمی در راه تنظیم روابط کار و ایجاد حسن تفاهم بین کارگر و کارفرما، توسعه انسانی و ایجاد زمینه لازم برای ارتباط مزد با بهره‌وری کارگر بردارد و کارگران و کارفرمایان را به سوی رشد و پیشرفت اقتصاد کشور رهنمون گرداند و بالعکس، در اثر وجود عواملی که در زیر‌بدان اشاره می‌شود، هم به زیان کارفرما و هم به زیان کارگر عمل کرده است:

● عدم امکان اعمال مدیریت: بدین معنی که وجود یک رشته مقررات و عوامل، مانع از آن شده است که کارفرما بتواند در واحد تولیدی بر طبق مصالح کارگاه و بر طبق اراده خود، تصمیماتی جدی برای اداره امور کارگاه اتخاذ نماید. نمونه بارز این گونه موارد، عدم امکان فسخ قرارداد کار حتی با وجود مقصر بودن کارگر می‌باشد. حال آن که، کارگر هر زمان که اراده کند می‌تواند از کار خود استعفا دهد و پاداش پایان کار خود را دریافت دارد (ماده ۲۱ و تبصره آن).

موارد تعلیق کار که در اثر عوامل مختلفی نظیر سیل، زلزله، نبود وسایل تولید و غیره رخ می‌دهد که منجر به بیکاری نیروی کار می‌شود، از موارد دیگری است که پس از رفع حالت تعلیق، کارفرما ملزم به بازگرداندن کارگر بر سر کار است (مواد ۱۴ تا ۱۸ قانون کار).

آن به کمیته انضباطی محول شده است و مجازات‌های کارگرانی که مرتکب تقصیر می‌گردند، تذکر، توبیخ و نهایتاً اخراج است که کارگر اخراجی می‌تواند به مراجع حل اختلاف علیه چنین رأیی شکایت ببرد. به طوری که ملاحظه می‌شود، در قانون کار مواردی پیش بینی گردیده است که عمدتاً به زیان کارفرما و واحد تولیدی می‌باشد و در بیان برنامه‌های مرتبط با بهبود وضعیت اقتصاد کشور، به هیچ یک از این موارد اشاره‌ای نشده و در طرح تحول اقتصادی دولت، ترتیبی برای رفع مشکلات قانون کار، از طریق اصلاح و بازنگری در آن پیش بینی نگردیده است.

به عقیده ما آنچه تحت عنوان برنامه‌های بهبود اقتصاد کشور از جمله بیکاری، تورم، افزایش هزینه‌های تولید، کاهش مدت کار، بهره‌وری، ترقی قیمت‌های تمام شده و عدم امکان رقابت در بازارهای داخلی و بین‌المللی بیان شده است عمدتاً ناشی از کاستی‌هایی است که به طور مختصر بدان اشاره شد. ولی موضوع بدین جا ختم نمی‌شود و قوانین دیگری نیز وجود دارند و تأثیر بسیاری بر اقتصاد کشور دارند که در بحث‌های آینده بدان اشاره خواهیم کرد. ■

غذای گرم، لباس کار، عینک و کلاه ایمنی، پاداش عید، حق سنوات و امثال آن. این هزینه‌های اضافی همراه با کاهش مدت زمان کار، هزینه تولید را افزایش داده و قیمت تمام شده کالا را بالا می‌برد و امکان رقابت در بازارهای داخلی و بین‌المللی را، به ویژه در برابر کالاهایی که به کشور قاچاق می‌شوند یا با تعرفه پایین وارد می‌گردند، کاهش می‌دهد.

● **تعهدات و الزامات کارفرمایان در قبال کارگران:** واقعیت این است که در قانون کار، الزامات و تعهداتی که برای کارفرمایان پیش بینی گردیده، فوق‌العاده زیاد است و کارفرمایان ملزم به اجرای تعهداتی در قبال کارگران و دولت می‌باشند، به نحوی که به محض انعقاد قرارداد کار بین کارفرما و کارگر، این الزامات خودنمایی می‌کنند. در فصل یازدهم قانون، تحت عنوان مجازات‌ها برای عدم اجرای تعهدات و الزامات، جریمه‌های نقدی یا زندان برای کارفرمایان پیش بینی شده است، حال آن که برای کارگران چنین الزامات و تعهداتی در نظر گرفته نشده است، چنان که در میان ۲۰۳ ماده قانون کار، قریب به ۱۰۰ ماده شامل این تعهدات و الزامات برای کارفرمایان می‌باشد و تنها در ماده ۲۷ و تبصره آن، موضوع تقصیر کارگر پیش بینی گردیده که رسیدگی

شرایط داخلی لبنان

چشم‌انداز بحران لبنان



با انتخاب ریاست جمهوری در لبنان و شروع روابط حسنه این کشور با سوریه، بهبود اوضاع داخلی و بین‌المللی این کشور عملی است. اما فراموش نکنیم که آینده سیاسی لبنان در اختیار بازیگران فرامنطقه‌ای است.

حمایت از حزب الله، سیاست‌های مقابله با آن را انتخاب کردند و با همکاری آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، سیاست تضعیف حزب الله را در پیش گرفتند. اجلاس دوحه که با هدف خروج از بحران تعیین رئیس‌جمهور لبنان تشکیل شده بود، توانست با نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران، این مسأله را حل کند. در این اجلاس، همچنین اهداف حزب الله در کسب یازده کرسی از دولت ائتلاف ملی، جلوگیری از خلع سلاح گروه مقاومت و تغییر قانون انتخابات ۲۰۰۰ میلادی، به قانون ۱۹۶۰ تحقق یافت.

اما بعد از انتخاب رئیس‌جمهور و توافق گروه‌های سیاسی بر حفظ امنیت و آرامش در لبنان، این مسأله از طرف گروه‌های مخالف حزب الله رعایت نشد و درگیری‌های سیاسی در بیروت و برخی شهرهای لبنان به وقوع پیوست.

در این درگیری‌ها، دولت‌های اروپایی و آمریکایی از فواید سینیوره حمایت و در جهت تضعیف حزب الله کوشیدند و در نهایت، با همکاری کشورهای همچون ایران، سوریه، فرانسه و عربستان، درگیری‌ها متوقف شد و دولت وحدت ملی تشکیل گردید. اما در حال حاضر هدف اصلی مخالفین حزب الله و حامیان خارجی آن در منطقه و فرامنطقه، بحث خلع سلاح حزب الله است و به نظر می‌رسد مخالفین حزب الله تا زمانی که حزب الله سلاح مقاومت را بر زمین نگذارد، اوضاع سیاسی لبنان را متشنج خواهند کرد. در این راستا، ما شاهد همکاری اسرائیل با گروه‌های مخالف حزب الله نیز می‌باشیم. بحث آزادسازی مناطق اشغالی شعبا از سوی اسرائیل، با هدف این که بهانه حزب الله را در حفظ سلاح مقاومت، از آن گروه بگیرد، دوازدهم نیست. در نهایت باید گفت که بحران لبنان تمام نشده و در آتیه نزدیک نیز تمام نخواهد شد. در واقع، آینده سیاسی لبنان، در اختیار بازیگران فرامنطقه‌ای است؛ آنها که به بهانه حمایت از دولت لبنان، گروه‌های مقاومت فلسطینی و حزب الله را تضعیف و سیاست تقویت رژیم صهیونیستی را در پیش دارند. در این وضعیت، اتحاد گروه‌های همسوی حزب الله و دوری از بهانه تراشی دشمنان به منظور تضعیف مقاومت، برای گذر از این مرحله، ضروری به نظر می‌رسد. ■

سیر تحولات سیاسی لبنان بعد از خروج اسرائیل از مناطق جنوب آن کشور در سال ۲۰۰۰ نشان داد که جنگ واقعی در لبنان هنوز تمام نشده است و اسرائیل، تنها تاکتیک جنگی خود علیه حزب الله را تغییر داده است. با تصویب قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت که با پشتیبانی آمریکا و فرانسه تحقق یافت و در آن بر مسأله خروج سوریه از لبنان و خلع سلاح حزب الله و گروه‌های فلسطینی مقیم لبنان تأکید شده بود و همچنین، موجب خروج سوریه از لبنان پس از ۲۹ سال گردید، در بین جناح‌های سیاسی لبنان اختلافاتی به وجود آمد. برخی از احزاب و گروه‌های سیاسی، حضور نیروهای سوریه را در لبنان، کمکی در جهت مقابله با توسعه طلبی رژیم صهیونیستی می‌دانستند و برخی دیگر، این حضور را تضعیف حاکمیت ملی لبنان معرفی می‌کردند.

اما اوج بحران لبنان با ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر سابق لبنان در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ به وجود آمد که از این مسأله به عنوان مهمترین واقعه تحولات تاریخ لبنان می‌توان نام برد. این حادثه، زمینه مناسبی را برای تحقق اهداف و شعارهای گروه‌های موسوم به ۱۴ مارس فراهم کرد و در واقع، ترور مشکوک رفیق حریری، انگشت اتهام را به سوی دولت سوریه نشانه برد. اما سود واقعی این ترور نصیب اسرائیل و گروه‌های لبنانی وابسته به غرب شده و باعث کسب اکثریت کرسی‌های مجلس توسط گروه ۱۴ مارس و تشکیل دولت لبنان با نخست‌وزیری فواید سینیوره گردید. تحولات سیاسی لبنان، به تدریج باعث به وجود آمدن ائتلاف‌های جدید در صحنه سیاسی لبنان شد. در یک تقسیم‌بندی، حزب الله، حزب امل و میشل عون در یک جناح و سعد حریری، فواید سینیوره، ولید جنبلاط و سمیر جعجع در جناح مقابل قرار گرفتند.

در کشمکش و درگیری‌های سیاسی داخلی لبنان، جنگ نظامی ۳۳ روزه که در ژوئیه ۲۰۰۶ بین اسرائیل و حزب الله، موجب شکست اسرائیل و قدرت‌نمایی حزب الله به عنوان یک گروه مقاومت در لبنان و جهان عرب گردید، سران کشورهای عربی که در جنگ‌های خود با اسرائیل شکست‌های سختی را تجربه کرده بودند، بعد از پیروزی حزب الله در مقابل اسرائیل، به جای